



تحلیل میزان اثربخشی آموزش های مدارس بر افزایش روحیه کارآفرینی در نواحی روستایی

(مطالعه موردی: نواحی روستایی آموزش و پرورش منطقه تبادکان مشهد)

مسعودقرائی* و سعیده اقبالی زاده

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) * (ma.gharaee56@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، موسسه آموزش عالی حکمت رضوی (eghbalizadeh.s@gmail.com)

چکیده

امروزه آموزش کارآفرینی بعنوان یکی از ابعاد مهم و تاثیر گذار در حوزه کارآفرینی و در راستای توسعه پایدار، سیاستی است که بطور مستقیم در کمیت و کیفیت عرضه کارآفرین در جامعه اثر گذار است، به همین دلیل در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته، دولت ها به شکوف نمودن توان بالقوه افراد از طریق آموزش های مناسب در این راستا پرداخته اند. هدف از این پژوهش، تحلیل میزان تاثیر آموزش های مدارس بر افزایش روحیه کارآفرینی در نواحی روستایی می باشد. نوع تحقیق توصیفی-پیمایشی مبتنی بر تکمیل پرسشنامه و داده های تحقیق به روش اسنادی (کتاب خانه ای) و میدانی تهیه شده است. نمونه گیری در این پژوهش از روش کوکران برای جامعه نامعین انجام شد که تعداد نمونه های مورد نظر برابر با ۱۴۰ نفر از دانش آموزان دوره متوسطه نواحی مورد مطالعه می باشند که پرسشنامه ها به صورت تصادفی ساده در بین آن ها توزیع گردید، روایی گویه های پرسشنامه با نظر تعدادی از محققان دانشگاهی تایید شده و پایایی آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به میزان ۰.۸۸۶، تایید گردید. به منظور ارزیابی میزان تاثیر آموزش های مدارس بر افزایش روحیه کارآفرینی در روستاها، شاخص های مورد نظر، در قالب سوالات پرسشنامه طراحی و مورد سنجش قرار گرفتند. با توجه به نتایج بدست آمده از رگرسیون گام به گام، ۳ متغیر از آموزش های کارآفرینی در سه مرحله وارد مدل رگرسیون شدند و در حدود ۳۳/۱ درصد از تغییرات ایجاد روحیه کارآفرینی ناشی از تغییرات متغیرهای "ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی"، "اصول و اهداف آموزشی کارآفرینی" و "محتوای آموزشی کارآفرینان" می باشد.

واژه های کلیدی: آموزش کارآفرینی، روحیه کارآفرینی، آموزش های مدارس، کارآفرینی روستایی

۱. مقدمه

امروزه تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن، یکی از ابزارهای مهم پیشرفت اقتصادی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می رود. بر اساس بیانیه جهانی کارآفرینی، همبستگی زیادی میان رشد اقتصاد ملی و سطح فعالیت کارآفرینی ملی و سازمانی وجود دارد [10]. کارآفرینی، فرآیند خلق چیزهای جدید و باارزش از طریق اختصاص زمان و تلاش مورد نیاز، در نظر گرفتن ریسک های مالی و روانی و اجتماعی همراه با رسیدن به پاداش های پولی و رضایت فردی و استقلال است [30]. از سویی دیگر یکی از مهمترین راه حل های توسعه پایدار در نواحی روستایی، توسعه کارآفرینی در این مناطق با ارزش است، در واقع در دنیای امروز کارآفرینی به عنوان یک استراتژی در توسعه، رشد و رونق جوامع انسانی تبدیل به جایگزینی شده است که از طریق آن همه عوامل، منابع و امکانات یک جامعه به طور خود به خود و با قرار گرفتن در معرض فرآیند تکاملی برای دستیابی به ایده آل های اجتماعی بالا برای منشا تاثیرات مثبت اقتصادی- اجتماعی می باشد [13].



ورتمن معتقد است که توسعه اقتصادی در نواحی روستایی و کارآفرینی با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند [27]، لذا بالطبع در سال های اخیر آموزش کارآفرینی (EE) نیز به سرعت توسعه یافته تا زمینه توانمند سازی و تحول را گسترش دهد و افراد را تشویق به یادگیری نماید [31,42]. فرآیند آموزش کارآفرینی نیاز به آموزش دهندگانی دارد که کار آموزش را خوب انجام دهند [40] و آموزش گیرندگانی فعال که آموزش دهنده به جای اینکه آن ها را هدایت کند از آن ها پشتیبانی نماید تا به اهداف شان برسند [36]. تحقیقات اخیر نشان می دهد که آموزش تأثیر بسیار مثبتی بر توسعه برخی عوامل ادراکی کارآفرینی مانند خود کارآمدی دارد [20]، محققان افرادی را که در دوره های مختلف آموزشی کارآفرینی شرکت نکرده اند را با فراگیری که در این دوره ها شرکت نموده اند، مورد مقایسه قرار دادند و در طی آن دریافتند که گذراندن دوره های آموزشی تأثیر معنی داری بر سطح خود کارآمدی افراد دارد. همچنین، در یک مطالعه مقایسه ای قبل و بعد از دوره های آموزش کارآفرین، نیز مشاهده کردند که فراگیران پس از اتمام این دوره ها، به سطح بالاتری از مطلوبیت در کسب و کارهای خود دست یافتند [32]. نتایج نشان می دهد که نوع آموزش در مراحل مختلف راه اندازی و اداره کسب و کارهای کارآفرینانه یکسان نیست و نیازهای یادگیری افراد بر حسب مراحل مختلف توسعه فعالیت های کارآفرینانه نظیر مرحله آگاه سازی قبل از راه اندازی، مرحله رشد و بلوغ متفاوت است [28]. یافته ها حاکی از این است که ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه های درسی مدارس موجب غنی سازی تجارب یادگیری فراگیران و افزایش ارتباط میان مدرسه، صنعت و کشاورزی می شود. از طرفی، روحیه کارآفرینی بعنوان یکی از عناصر و عوامل اصلی در گسترش و ترویج خود اشتغالی بسیار کارگشا می باشد، لذا با توجه به ویژگی های کارآفرینی، آموزش آن به دانش آموزان می تواند در توسعه خوداشتغالی موثر واقع شود، چراکه مطالعات و پژوهش های انجام شده، مبین این است که مهمترین عامل موثر در حرکت کارآفرینی از قوه به فعل، بروز روحیه ی کارآفرینی در دانش آموزان بعنوان آینده سازان جامعه، از طریق تدوین و اجرای برنامه های مناسب درسی مدارس می باشد [15]. آمار بسیار بالای بیکاری در سال های اخیر در کشور و به تبع آن در نواحی روستایی که منجر به مهاجرت روستائیان به مناطق شهری شده و معضلات بسیار زیادی را به دنبال داشته حاکی از عدم وجود آموزش های مناسب و لازم در سطوح مختلف تحصیل به منظور توانمند سازی جوانان در جهت آشنایی آنان با کسب و کارها و در نتیجه آن ایجاد کسب و کار مناسب پس از پایان تحصیلات متوسطه، ضرورت این مطالعه را نشان می دهد. در واقع هدف از این مطالعه بررسی میزان تاثیر محتوای کتب آموزشی مدارس بر ایجاد روحیه کارآفرینی در دانش آموزان می باشد، که در آن تلاش شده به این سوال پاسخ داده شود که تا چه حد آموزش های مدارس در افزایش روحیه کارآفرینی در نواحی روستایی موثر است؟

۱.۱. پیشینه تحقیق

در خصوص آموزش کارآفرینی تحقیقات گسترده ای در سراسر دنیا صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آن ها و نتایج بدست آمده اشاره شده است:

کویانا و میسون، ۲۰۱۷، در پژوهشی با عنوان " کارآفرینی و تحول روستایی: نقش یادگیری"، در حالی که به برجسته سازی عوامل افزایش موفقیت و همچنین موانع توسعه آن اشاره می کنند، به این نتیجه رسیدند که نحوه آموزش و آموزش گیرنده به طور قابل توجهی به تحول اجتماعی از طریق کارآفرینی روستایی کمک می کنند. این امر به زنان و جوانان محروم کمک می کند تا مهارت های لازم را کسب نمایند، که اگر اقدامات توصیه شده برای اجرای برنامه انجام شود، قادر است به رشد کسب و کارهای بزرگتر کمک کند. جانسدوتیر و مک دونالد، ۲۰۱۸، نیز در پژوهشی دیگر با عنوان " امکان سنجی نوآوری و آموزش کارآفرینی در مدارس متوسطه"، به نقش آموزش در کارآفرینی اشاره دارند، آن ها دریافتند که برای ارتقا ظرفیت نوآورانه و خلاقانه افراد از طریق آموزش نیاز به آموزش دهندگانی ماهر است تا آنها را در انتخاب بهترین گزینه هدایت کنند. در پژوهشی دیگر، تان و فرانک، ۲۰۰۶، تحقیقی در زمینه کاربرد یادگیری مساله محور در آموزش کارآفرینی انجام داده اند، این مقاله گزارشی از کاربرد رویکرد مساله محور است که می تواند یک دیدگاه آموزشی موثر برای آموزش کارآفرینی باشد، یافته های بدست آمده حاکی از آن بود که ایجاد موقعیت های کارآفرینی نظیر شبیه سازی درون کلاس می تواند توانایی دانش آموزان را برای کارآفرینی افزایش دهد.



خانی جزنی، ۱۳۸۶، در پژوهشی با عنوان تاثیر آموزش کارآفرینی بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در آموزش عالی ایران پرداخته است، نتایج تحقیقات وی نشان می دهد که، چنانچه آموزش کارآفرینی طی سال های مختلف تحصیل در جهت ایجاد و ارتقای فرهنگ کارآفرینی انجام پذیرد، می تواند عامل مهمی برای شکل گیری روحیه، ارزش ها و باورهای دانشجویان برای نیل به امر خطیر کارآفرینی باشد. در مطالعه ای دیگری مقصودی، ۱۳۹۵، به بررسی روش های تدریس در آموزش کارآفرینی، پرداخته است که نتایج مطالعه او نشان می دهد، دستیابی به مجموعه ای از روش های مرسوم و جدید در آموزش کارآفرینی برای اثربخش نمودن آموزش با توجه به موقعیت ها و شرایط مختلف بسیار حائز اهمیت است. در پژوهشی دیگر نیز ایمانی، ۱۳۸۸، به بررسی آموزش کارآفرینی در دانشگاه ها: (چارچوبی برای برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه های کارآفرینی)، پرداخته است که نتایج تحقیقات او نشان می دهد، در برنامه کارآفرینی برای آماده سازی دانش آموختگان کارآفرین در دانشگاه ها، باید به ۲۰ عامل در چهار دسته مولفه اصلی (فلسفه و اهداف، مبانی نظری، مولفه های برنامه کارآفرینی و عوامل محیطی) توجه شود در نهایت بر اساس یافته های تحقیق چارچوبی برای طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه های کارآفرینی پیشنهاد می دهد. در مطالعه ای دیگر مقیمی و احمدپورداریانی، ۱۳۸۷، در پژوهشی با عنوان "آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط در ایران: نیازها و راهکارها" به بیان برخی مفاهیم کارآفرینی، چالش ها و اهداف آموزش کارآفرینی و چرخه حیات کسب و کارهای کوچک پرداخته اند. در واقع، تفاوت مطالعه حاضر با مطالعاتی که در قبل انجام گرفته، این است که تا کنون به مقوله آموزش های کارآفرینی در مدارس (دوره متوسطه) و تاثیر آن بر افزایش روحیه کارآفرینی در نواحی روستایی پرداخته نشده است.

۲.۱. مبانی نظری

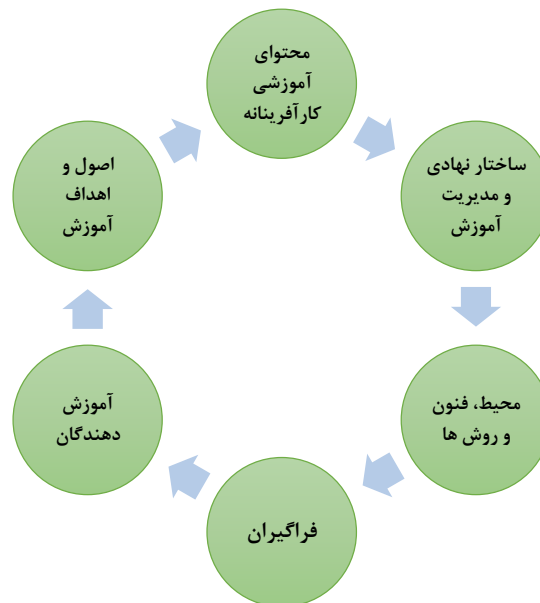
واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی "Entreprendre" است که مفهوم تعهد کردن کاری را در بر می گیرد و کارآفرین کسی است که تعهد می کند تا سازماندهی و مدیریت کسب و کار جدیدی را که توام با ریسک است، بپذیرد [1]. در واقع کارآفرینی فرآیندی است که در آن فرد کارآفرین با ایده های نو و خلاق و شناسایی فرصت های جدید و بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار و ایجاد شرکت های نو، سازمان های جدید و نوآور و رشد یابنده، نموده که توام با پذیرش مخاطره و ریسک منجر به معرفی محصول و یا خدمت جدیدی به جامعه می گردد [12]. البته فرآیند آن بلند مدت و آموزشی و پرورشی است که مستلزم برنامه ریزی در نظام آموزش و پرورش می باشد لذا اجرای برنامه های آن از سطح خانواده و مدرسه تا سطح دانشگاه گسترده شده است و باعث می شود تا افراد با استفاده از تخصص و قدرت ابتکار، خلاقیت و خطرپذیری و نیز امکانات، فرصت ها و توانمندی ها، اشتغال مولد و درآمد زا ایجاد کنند [22]. در همین راستا باید خاطر نشان کرد که، کارآفرینی روستایی نیز از مهم ترین مباحث مطرح در این حوزه در چند سال اخیر می باشد. از نظر ورتمن، کارآفرینی روستایی عبارت است از ایجاد ساختاری جدید که یک تولید یا خدمت جدید را معرفی یا بازار جدیدی را ایجاد می کند و یا اینکه از یک فناوری جدید در محیط روستایی استفاده می نماید [27]. باید تاکید نمود که تربیت نیروی انسانی کارآمد و آماده سازی آن ها بایستی در تمامی مقاطع تحصیلی یعنی آمادگی، ابتدایی، متوسطه، دانشگاهی و فوق تخصصی همواره مدنظر باشد، زیرا غفلت در هر مرحله اثرات زیان باری را در مراحل بعدی می تواند در پی داشته باشد که برای جبران، انرژی و هزینه های کلان را نیز طلب خواهد کرد [4]. در جهان امروز برنامه ریزان تحصیلی بر این باورند که دانش آموزان قرن حاضر باید با مهارت های عمومی مانند همکاری، قالب بندی مشکل، تفکر انتقادی، "تفکر خارج از محیط"، نوآوری و خلاقیت، آشنا شوند [17, 25]. فرآیند یاددهی - یادگیری عبارت است از فرآیندی که بین مربی و کارآموزان به منظور افزایش دانش و مهارت های فنی و حرفه ای جریان می یابد. کیفیت این فرآیند وضعیت مطلوب آموزش است که در آن پدیده یادگیری در کارآموزان اتفاق می افتد و مربی خود را برای رعایت شرایط اثربخشی یاددهی موظف می داند [29]، لازم به توضیح است که برای بررسی کامل فرآیند یاددهی - یادگیری در هر نظام آموزشی سه عنصر اصلی باید مورد مطالعه قرار گیرند که عبارتند از: نوع آموزش، سطح یادگیری و کیفیت آموزشی [11]. یکی از مهمترین بخش ها در این راستا محتواهای آموزشی مناسب است. در واقع محتواهای آموزشی باید زمینه ی اقدام برای پژوهش همه جانبه شخصیت، استعداد، خلاقیت و توانایی



دانش آموزان را فراهم کنند، بنابراین محتواهای دروس مرتبط با کارآفرینی باید بطور مداوم در حال تغییر و تکامل باشند تا همیشه مطالب آن با دانش و فناوری های روز همخوانی داشته باشد [8]. چراکه کارآفرینان نیازمند آموختن مهارت های متفاوتی هستند تا در ارتقای ابتکارات ایجاد کسب و کار به موفقیت برسند [41]. "گاراوان و اوسینید" با بررسی برنامه های آموزشی کارآفرینی، محتوای آن ها را در قالب سه محور کلی مفهوم سازی نمودند : ۱. برنامه های مرحله ی شکل گیری کسب و کارها برکسب دانش درحوزه هایی همچون اطلاعات دانشی و زمینه ای در دنیای کسب و کار، ماهیت کارآفرینی، ویژگی های تیم های اثربخش و ماهیت تعاملات و فعالیت های کسب و کار؛ ۲. برنامه های مرحله ی توسعه ی کسب و کار بر مهارت ها و نگرش ها تأکید دارد، موضوعات محتوایی همچون برنامه ریزی کسب و کار، انتخاب بازار، برنامه ریزی مالی، شناسایی محصول و دریافت هدایای مالی؛ ۳. برنامه های مرحله ی اجرای کسب و کار بر دانش ها و نگرش های کلی متمرکز است. برنامه هایی همچون برنامه ریزی مالی، مدیریت رشد کسب و کار، کارکردها و نگرش های مدیریت و تبادل اطلاعات از کارآفرینان به مدیران [24]. در همین راستا باید خاطر نشان نمود که شاخص های تاثیرگذار بر ایجاد روحیه کارآفرینی نیز، عبارتند از: مرکز کنترل درونی، توفیق طلبی، ریسک پذیری، خلاقیت و استقلال طلبی.

۳.۱. مولفه های موثر بر آموزش های کارآفرینی

مولفه های تاثیر گذار بر آموزش کارآفرینی در مدارس عبارتند از: محتوای آموزشی کارآفرینانه؛ ساختار نهادی، تشکیلات و مدیریت آموزش کارآفرینی؛ اصول و اهداف آموزش؛ فراگیران (کارآفرینان بالقوه)؛ محیط، فنون و روش ها؛ آموزش دهندگان کارآفرین پرور (شکل-۱).



شکل-۱، مولفه های موثر بر آموزش کارآفرینی

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۹

۲. روش شناسی و منطقه مورد مطالعه



پژوهش حاضر به لحاظ گردآوری داده ها، از روش اسنادی و کتابخانه ای همچون توصیفی-پیمایشی استفاده نموده و پرسشنامه بر اساس مولفه ها و شاخص های استخراج شده در چارچوب نظری، ساخته شده است که روایی علمی را نیز نشان می دهد. با توجه به متغیرهای تحقیق و روش های تجزیه و تحلیل، پرسشنامه مربوطه در مقیاس سنجش اسمی و رتبه ای و در برخی جنبه ها نسبی- فاصله ای تنظیم گردید و در اختیار نمونه ها قرار گرفت. از بین روستاهایی که در این منطقه قرار دارند، تعدادی از روستاها که دارای مدارس دوره متوسطه بودند بصورت تصادفی انتخاب گردیدند. لذا بر اساس شاخص های تحقیق و تبدیل آنها به گویه های عملیاتی، پرسشنامه ای در سطح دانش آموزان دوره متوسطه، طراحی و در اختیار جامعه نمونه به صورت تصادفی قرار داده شد. جامعه مورد مطالعه دانش آموزان دوره متوسطه، نواحی روستایی آموزش و پرورش منطقه تبادکان مشهد در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ می باشند. برای نمونه گیری از روش نمونه گیری کوکران برای جامعه نامعین استفاده شد، تعداد نمونه های تخمین زده شده مورد نظر برابر با ۱۴۰ نفر می باشند. اعتبار و روایی پرسشنامه از طرف تعدادی از اساتید دانشگاهی تایید گردید. در خصوص پایایی پرسشنامه نیز، ابزار اندازه گیری و شیوه های مختلفی وجود دارد که در این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی پرسشنامه به میزان ۰,۸۸۶، تایید گردید، که نشان دهنده همگنی سوالات پرسشنامه می باشد. آموزش و پرورش منطقه تبادکان به لحاظ وسعت تقریباً بخش زیادی از نواحی روستایی و پیراشهری کلانشهر مشهد را در بر می گیرد، ساکنین این منطقه اغلب روستاییان و نیز بخشی را حاشیه نشینان (شامل مهاجرین داخلی و مهاجرین خارجی)، تشکیل می دهند.

۳. یافته ها

۱,۳. یافته های توصیفی

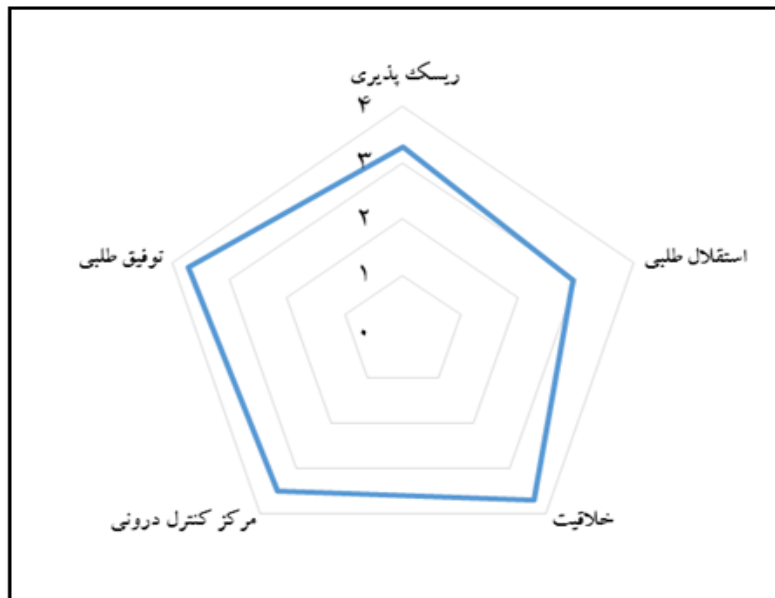
بر اساس نتایج داده های توصیفی حاصل از پژوهش ۷۱ نفر از نمونه ها را پسران و ۶۴ نفر را دختران تشکیل می دهند، نمونه ها شامل رده سنی ۱۵ تا ۱۸ سال بود که ۱۶ ساله ها درصد بیشتری از نمونه ها را تشکیل می دادند. سطح تحصیلات بیشتر پدران دانش آموزانی که بعنوان نمونه انتخاب شده اند، در سطح سیکل (۵۶ درصد) و مادران در سطح ابتدایی (۳۷/۱ درصد) می باشد. بیشتر نمونه های مورد مطالعه را خانواده های با ۳ فرزند تشکیل می دادند و اکثر نمونه های مورد مطالعه شامل افرادی هستند که فرزندان اول خانواده (۴۶/۲ درصد) می باشند. یافته های توصیفی متغیرهای روحیه کارآفرینی نشان داده شده است. در میان متغیرهای روحیه کارآفرینی متغیر توفیق طلبی بالاترین میانگین ۳/۷۱ و متغیر استقلال طلبی دارای کمترین میانگین ۲/۹۶ است. به جهت ارزیابی نرمال بودن داده ها، اگر چولگی در بازه ۳- و ۳+ باشد. همچنین اگر چه اتفاق نظر واضحی در مورد مقادیر کشیدگی وجود ندارد ولی کالین (۲۰۰۵)، وست و همکاران (۱۹۹۵) مقادیر کشیدگی مساوی یا بزرگتر از ۷ ± را به عنوان عدم نرمال بودن پیشنهاد کردند، با توجه به نتایج مقادیر ستون کجی و کشیدگی که در بازه خود قرار دارند، نرمال بودن توزیع متغیرها پذیرفته می شود، که در جدول ۱- نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی ویژگی های فردی فراگیران

میانگین	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	کجی	کشیدگی
ریسک پذیری	۳/۲۸	۰/۵۲	۲/۰۰	۴/۵۵	-۰/۰۸۵	-۰/۰۹۱
توفیق طلبی	۳/۷۱	۰/۵۴	۲/۲۲	۴/۸۹	-۰/۲۳۱	۰/۱۶۴
مرکز کنترل درونی	۳/۴۹	۰/۵۳	۱/۸۳	۵/۰۰	-۰/۰۹۸	۰/۸۲۷



۰/۱۲۵	-۰/۳۵۴	۵/۰۰	۱/۵۰	۰/۷۰	۳/۶۸	خلاقیت
۰/۵۶۲	۰/۲۳۹	۵/۰۰	۱/۳۳	۰/۷۴	۲/۹۶	استقلال طلبی
-۰/۰۹۱	-۰/۰۸۵	۵/۰۰	۱/۶۰	۰/۷۶	۳/۵۰	آموزش های کار آفرینی در مدارس



نمودار-۱، میانگین مولفه های ایجاد روحیه کار آفرینی

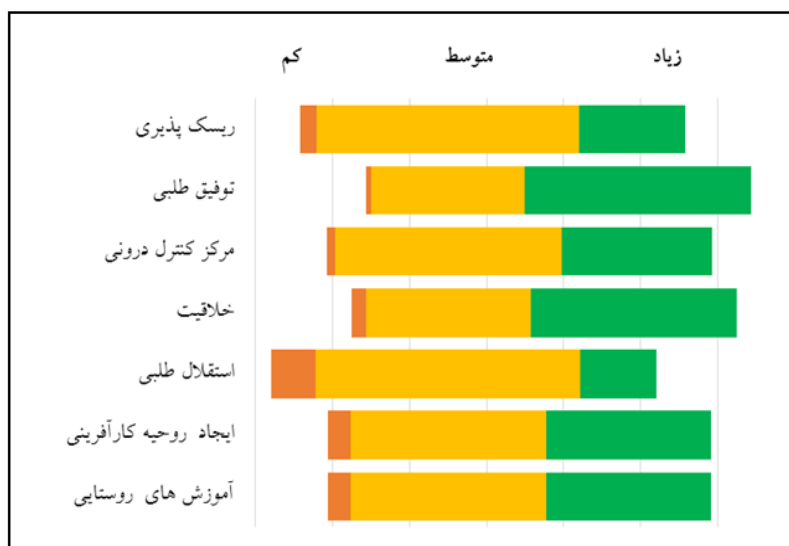
بر اساس یافته های جدول بیشتر پاسخگویان از نظر متغیر ریسک پذیری و مرکز کنترل درونی در سطح متوسط و از نظر متغیر توفیق طلبی و خلاقیت و استقلال طلبی در سطح زیاد می باشند (جدول-۲).

جدول-۲، وضعیت پاسخگویان بر حسب سطوح خصیصه های روحیه کار آفرینی و آموزش های مدارس

متغیر	کم		متوسط		زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ریسک پذیری	۶	۴/۳	۹۴	۶۸/۱	۳۸	۲۷/۵
توفیق طلبی	۲	۱/۴	۵۵	۳۹/۹	۸۱	۵۸/۷
مرکز کنترل درونی	۳	۲/۲	۸۱	۵۸/۷	۵۴	۳۹/۱
خلاقیت	۵	۳/۶	۵۹	۴۲/۸	۷۴	۵۳/۶



۱۹/۶	۲۷	۶۸/۸	۹۵	۱۱/۶	۱۶	استقلال طلبی
۴۲/۸	۵۹	۵۰/۷	۷۰	۵/۸	۸	ایجاد روحیه کارآفرینی
۴۲/۸	۵۹	۵۰/۷	۷۰	۵/۸	۸	آموزش های مدارس



نمودار-۲. توزیع فراوانی وضعیت مولفه های روحیه کارآفرینی و آموزش های مدارس روستایی

۲,۳. یافته های استنباطی

بررسی وضعیت متغیرهای روحیه کارآفرینی

با توجه به نرمال بودن متغیرهای روحیه کارآفرینی، با استفاده از آزمون "t تک نمونه ای"، میانگین متغیرها با میانه نظری ۳ (حد وسط طیف لیکرت ۵ تایی) مورد مقایسه قرار گرفت که نتایج آن در جدول-۳، نشان داده شده است. یافته ها نشان می دهد که، میانگین تمامی مولفه های روحیه کارآفرینی در سطح متوسط رو به بالا قرار دارد و متغیر استقلال طلبی در سطح متوسط می باشد.

جدول-۳. مقایسه میانگین خصیصه های روحیه کارآفرینی با متوسط

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی دار
ریسک پذیری	۱۳۸	۳/۲۸۰	۰/۵۱۹	۶/۳۲۷	۱۳۷	۰/۰۰۰
توفیق طلبی	۱۳۸	۳/۷۰۷	۰/۵۴۳	۱۵/۲۹۴	۱۳۷	۰/۰۰۰
مرکز کنترل درونی	۱۳۸	۳/۴۹۲	۰/۵۳۲	۱۰/۸۵۸	۱۳۷	۰/۰۰۰



خلایقت	۱۳۸	۳/۶۷۸	۰/۶۹۷	۱۱/۴۱۲	۱۳۷	۰/۱۰۰۰
استقلال طلبی	۱۳۸	۲/۹۵۵	۰/۷۳۹	۰/۷۱۱-	۱۳۷	۰/۴۷۹

مقایسه میانگین روحیه کارآفرینی پاسخگویان بر اساس جنسیت

بمنظور بررسی میانگین روحیه کارآفرینی در دو گروه جنسیتی، با توجه به نرمال بودن مولفه های کارآفرینی، با استفاده از آزمون "t" دونمونه مستقل"، میانگین مولفه ها در دو گروه جنسیتی مورد مقایسه قرار گرفت که نتایج آن در جدول-۴، زیر نشان داده شده است. نتایج نشان می دهد که، تفاوت معنی داری بین متغیرها در دو گروه جنسیت وجود ندارد.

جدول-۴، مقایسه میانگین متغیرهای روحیه کارآفرینی در دو گروه جنسیتی

متغیر	مرد		زن		آزمون t	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره t	درجه آزادی
ریسک پذیری	۳/۲۸	۰/۵۳	۳/۲۹	۰/۵۲	-۰/۰۹۸	۱۳۳
	۳/۶۷	۰/۵۵	۳/۷۴	۰/۵۵		
توفیق طلبی	۳/۴۳	۰/۵۵	۳/۵۵	۰/۵۲	-۰/۷۰۵	۱۳۳
	۳/۶۸	۰/۷۱	۳/۶۸	۰/۶۹		
مرکز کنترل درونی	۳/۰۰	۰/۶۸	۲/۸۹	۰/۸۱	-۱/۳۹۸	۱۳۳
	۳/۲۸	۰/۵۳	۳/۲۹	۰/۵۲		
خلایقت	۳/۶۷	۰/۵۵	۳/۷۴	۰/۵۵	-۰/۰۰۱	۱۳۳
	۳/۴۳	۰/۵۵	۳/۵۵	۰/۵۲		
استقلال طلبی	۳/۶۸	۰/۷۱	۳/۶۸	۰/۶۹	۰/۹۰۹	۱۳۳
	۳/۰۰	۰/۶۸	۲/۸۹	۰/۸۱		

بررسی رابطه روحیه کارآفرینی با آموزش های مدارس

بمنظور بررسی رابطه متغیرهای روحیه کارآفرینی با آموزش های مدارس، بر اساس یافته های جدول-۵ بین متغیرهای ایجاد روحیه کارآفرینی با آموزش های کارآفرینی در مدارس، ارتباط معنی دار مثبتی وجود دارد. بیشترین ارتباط بین مرکز کنترل درونی با آموزش های کارآفرینی و سپس توفیق طلبی با آموزش های کارآفرینی می باشد.



جدول-۵ بررسی همبستگی متغیرها با آموزش های مدارس

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ریسک پذیری	۰/۳۵۳	۰/۰۰۰
توفیق طلبی	۰/۵۰۸	۰/۰۰۰
مرکز کنترل درونی	۰/۵۳۲	۰/۰۰۰
خلاقیت	۰/۴۱۶	۰/۰۰۰
استقلال طلبی	۰/۲۲۶	۰/۰۰۸

بررسی اثر آموزش های مدارس بر مولفه های کارآفرینی

به منظور بررسی اثر آموزش های مدارس بر مولفه های کارآفرینی، از "رگرسیون گام به گام" استفاده شد (جدول-۶)، بر این اساس تنها متغیر "ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی" بر مولفه ریسک پذیری اثر مثبت و معنادار دارد و ۱۱/۴ درصد از تغییرات ریسک پذیری را تبیین می کند. دو متغیر "ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی" و "آموزش دهندگان کارآفرین پرور" بر توفیق طلبی اثر مثبت و معنادار دارد که ۲۸/۱ درصد از تغییرات توفیق طلبی توسط این دو متغیر تبیین می شود. بر این اساس، بر مولفه مرکز کنترل درونی، سه متغیر "اصول و اهداف آموزشی کارآفرینی"، "ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی" و "محتوای آموزشی کارآفرینان" بر آن اثر مثبت و معنادار دارد که ۳۲ درصد از تغییرات مرکز کنترل درونی بر این مبنا، قابل تبیین است. باتوجه به مدل رگرسیونی مولفه خلاقیت، دو متغیر "آموزش دهندگان کارآفرین پرور" و "اصول و اهداف آموزشی کارآفرینی" بر آن اثر مثبت و معنادار دارد که ۱۳/۹ درصد از تغییرات خلاقیت توسط این دو متغیر تبیین می شود. بر این اساس، بر مولفه استقلال طلبی، تنها متغیر "ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی" اثر مثبت و معنادار دارد که ۱۰/۱ درصد از تغییرات استقلال طلبی بر این مبنا، قابل تبیین است.

جدول-۶، نتایج رگرسیون آموزش های مدارس بر روحیه کارآفرینی

متغیر وابسته	متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی دار
ریسک پذیری	عرض از مبدا	۲/۶۸۹	۰/۱۵۰	۱۷/۹۱۹	۰/۰۰۰
	ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی	۰/۱۷۳	۰/۰۴۲	۴/۱۲۷	۰/۰۰۰
توفیق طلبی	عرض از مبدا	۲/۵۲۵	۰/۱۷۰	۱۴/۸۷۱	۰/۰۰۰
	ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی	۰/۱۸۱	۰/۰۴۲	۴/۲۷۵	۰/۰۰۰
	آموزش دهندگان کارآفرین پرور	۰/۱۵۶	۰/۰۳۹	۳/۹۸۵	۰/۰۰۰



۰/۰۰۰	۱۳/۵۰۵	۰/۱۶۶	۲/۲۴۵	عرض از مبدا	مرکز کنترل درونی
۰/۰۰۱	۳/۵۵۶	۰/۰۳۸	۰/۱۳۶	اصول و اهداف آموزشی کارآفرینی	
۰/۰۰۱	۳/۳۵۹	۰/۰۴۰	۰/۱۳۵	ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی.	
۰/۰۱۳	۲/۵۲۴	۰/۰۳۸	۰/۰۹۵	محتوای آموزشی کارآفرینان	
۰/۰۰۰	۱۲/۲۴۹	۰/۲۲۱	۲/۷۱۰	عرض از مبدا	خلاقیت
۰/۰۱۴	۲/۵۰۳	۰/۰۵۶	۰/۱۴۰	آموزش دهندگان کارآفرین پرور	
۰/۰۱۸	۲/۴۰۴	۰/۰۵۷	۰/۱۳۶	اصول و اهداف آموزشی کارآفرینی	
۰/۰۰۰	۱۰/۰۷۹	۰/۲۱۵	۲/۱۷۱	عرض از مبدا	استقلال طلبی
۰/۰۰۰	۳/۸۴۱	۰/۰۶۰	۰/۲۳۱	ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی.	
۰/۰۰۰	۱۷/۰۵۴	۰/۱۳۸	۲/۳۵۹	عرض از مبدا	ایجاد روحیه کارآفرینی
۰/۰۰۰	۴/۶۳۰	۰/۰۳۴	۰/۱۵۵	ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی	
۰/۰۰۴	۲/۹۳۶	۰/۰۳۲	۰/۰۹۳	اصول و اهداف آموزشی کارآفرینی	
۰/۰۴۸	۱/۹۹۶	۰/۰۳۱	۰/۰۶۳	محتوای آموزشی کارآفرینان	

با توجه به جدول ۶-، بر اساس نتایج رگرسیون گام به گام، ۳ متغیر از آموزش های مدارس در سه مرحله وارد مدل رگرسیون شدند و در حدود ۳۳/۱ درصد از تغییرات ایجاد روحیه کارآفرینی ناشی از تغییرات متغیرهای "ساختارنهادی تشکیلات و مدیریت آموزشی کارآفرینی"، "اصول و اهداف آموزشی کارآفرینی" و "محتوای آموزشی کارآفرینان" می باشد.

۴. نتیجه گیری

آموزش بعنوان یک مولفه مهم در جهت تقویت کارآفرینی در محیط های روستایی، هم موجب استفاده بهینه از منابع موجود و هم زمینه ساز رشد، شکوفایی و همچنین پایداری سکونتگاه های روستاییان خواهد بود؛ چراکه کارآفرینی با فراهم ساختن درآمد کافی و مناسب برای افراد، زمینه های اشتغال را در این مکان های با ارزش افزایش داده و همچنین می تواند موجب جذب سرمایه ها و نیروی انسانی بیرونی در محیط روستا شود و پایه های توسعه ملی و منطقه ای را تقویت نماید. از طرفی دیگر می توان گفت که کارآفرینان بعنوان موتور محرک توسعه اقتصادی در توسعه روستایی جایگاه ویژه ای دارند. توسعه روستایی را می توان عاملی در جهت بهبود شرایط زندگی افراد متعلق به قشر کم درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنان در روند کلی توسعه یک کشور دانست. لذا با توجه به مفهوم کارآفرینی و توسعه روستایی می توان این دو را با هم مرتبط دانست و آنها را مکمل یکدیگر قرار داد. از دیگر سو پیشرفت کارآفرینی و ایجاد روحیه کارآفرین شدن نیاز به ایجاد مقدمات و ملزوماتی دارد، که در بهترین زمان برای تربیت کارآفرینان موفق در اختیارشان قرار گیرد و آنان را توسط یک ساختار آموزشی منسجم و سازمان یافته، آموزش داده و زمینه های ایجاد اشتغال برای آینده درونشان رشد یابد. نتایج بدست آمده از این تحقیق در نواحی مورد مطالعه حاکی از این مطلب است که مهمترین عوامل در ایجاد روحیه کارآفرینی در نواحی روستایی به ترتیب عبارتند از: ایجاد ساختارهای نهادی و تشکیلاتی موثر



در آموزش کارآفرینی، اصول و اهداف آموزشی مشخص و موثر در امر کارآفرینی و نیز محتوای کتب آموزشی که هم راستا و در جهت بهبود شرایط کارآفرینی تهیه شوند که این امر نه تنها شرایط اشتغال و رفع معضل خانمان برانداز بیکاری را موجب خواهد شد، بلکه در جهت ارتقا سطح زندگی و شرایط اجتماعی و فرهنگی موثر خواهد بود لذا این مهم در عرصه اجتماع روستایی بسیار موثرتر خواهد بود چرا که به این وسیله می توان از تخلیه روستاها بر اثر بیکاری و شرایط اقتصادی نامناسب و در نتیجه آن ایجاد پدیده حاشیه نشینی در اطراف کلانشهرها جلوگیری نمود که این امر مستلزم توجه هرچه بیشتر متولیان امر آموزش در کشور می باشد.

منابع

۱. احمد پور داریانی، محمود (۱۳۷۸)، کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها)، انتشارات پردیس.
۲. امین بیدختی، علی اکبر (۱۳۸۸)، نقش آموزش های فنی و حرفه ای در توسعه ی خوداشتغالی در استان سمنان، پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.
۳. ایمانی، محمد نفی (۱۳۸۸)، آموزش کارآفرینی در دانشگاه ها: (چارچوبی برای برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه های کارآفرینی)، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره اول، پاییز ۱۳۸۸.
۴. پور کریمی، بهاره، صبوری، محمد صادق (۱۳۹۰)، "نقش کارآفرینی در توسعه پایدار روستایی"، اولین همایش ملی راهبردهای دستیابی به کشاورزی پایدار.
۵. حجازی، اسد، نوه ابراهیم، عبدالرحیم، بهرنگی، محمدرضا، زین آبادی، حسن رضا (۱۳۹۳)، شناسایی و تحلیل نقش مولفه های آموزشی در توسعه آموزش کارآفرینی دانشگاهی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه خوارزمی در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، نشریه مدیریت بهره وری، ۲، ۹۹-۱۱۸.
۶. حسینی خواه، علی (۱۳۸۷)، امکان و ضرورت آموزش کارآفرینی در مدارس، فصلنامه مطالعات برنامه درسی؛ تهران: نشریه علمی-پژوهشی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران.
۷. خانی جزنی، جمال (۱۳۸۶)، تأثیر آموزش کارآفرینی بر ارتقای فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه های کشور، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۲۴۲-۲۶۵.
۸. خنیفر، حسین، وکیلی، فردین (۱۳۸۷)، رابطه بین نوع ساختار سازمانی و کارآفرینی سازمانی و اقتصادی در شرکت های اقتصادی کوچک و متوسط، مجله توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، صص ۵۵-۳۵.
۹. ذاکری، علیرضا، کرد نوقایی، رسول، صدرالاشرفی، مسعود (۱۳۸۹)، بررسی فرآیندهای یاددهی-یادگیری در آموزش فنی و حرفه ای، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، سال پنجم شماره ۱.
۱۰. سپه پناه، مریم (۱۳۹۱)، کارکردهای مدیریت روستایی در کارآفرینی شدن کشاورزی و روستائیان، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، همایش دانشگاه مازندران، ص ۱-۸.
۱۱. عبدی زاده، حسین، نظری، ابوالفضل، اسدزاده، سمیه (۱۳۹۱)، چگونگی تقویت روحیه کارآفرینی دانش آموزان مدارس متوسطه از طریق عناصر برنامه درسی؛ دومین کنفرانس ملی دانشجویی کارآفرینی.
۱۲. فیض آبادی، حسین (۱۳۸۷)، بررسی نقش کارآفرینی، پایبندی به اصول تعاون و رابطه آن ها در موفقیت تعاونی ها، مجموعه چکیده مقالات اولین همایش ملی تعاون و کارآفرینی، وزارت تعاون، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران و سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران.
۱۳. محسنی، عادل، موسوی، سید حسین، جمالی، محمد (۱۳۹۲)، نقش آموزش کارآفرینی در نگرش کارآفرینانه و باور خود کارآمدی عمومی دانشجویان. نشریه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۹، ۶۳-۸۰.
۱۴. مقصدی، سمیه (۱۳۹۵)، بررسی روش های تدریس در آموزش کارآفرینی، نشریه مطالعات آموزشی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارتش، سال چهارم، شماره اول، نیمسال اول تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴.
۱۵. مقیمی، سید محمد؛ احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۷)، آموزش کارآفرینی در کسب و کارهای کوچک و متوسط ایران: نیازها و راهکارها، نشریه توسعه کارآفرینی، شماره اول، پاییز ۱۳۸۷، صص ۲۴۵-۲۰۷.
۱۶. ملکی، حسن (۱۳۸۱)، برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)، تهران؛ انتشارات پیام اندیشه.



17. Bacigalupo, M., Kampylis, P., Punie, Y. and Van den Brande, G. (2016). **EntreComp: The Entrepreneurship Competence Framework**, No. EUR 27939 EN, Publication Office of the European Union, Luxembourg
18. Barnard, Art, and Pittz, Thomas, and, Vanevenhoven, Jeff (2018), **Entrepreneurship education in U.S. community colleges: a review and analysis**. The current issue and full text archive of this journal is available on Emerald Insight at: www.emeraldinsight.com/1462-6004.htm.
19. Birch, David G. W. (1979). The Job Generation Process. MIT Program on Neighborhood and Regional Change, 302. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1510007>.
20. Cox, L.W., S.L. Muller and S.E. Moss(2002). **The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial self-efficacy**. International Journal of Entrepreneurship Education, 1(1): 29-45.
21. Dickson, P.,Solomon,G. andWeaver, K.(2008), “**Entrepreneurial selectionandsuccess: doeseducation matter?**”, Journal of Small Business and Enterprise Development, Vol. 15 No. 2, pp. 239-258..
22. Dutta, D. and Crossan, m (2005), **The Nature of Entrepreneuria Opportunities; Understanding the Process Using the 41 Organizational Learning Framework**; Baylor University,Entrepreneurship: Theory and Practice, , 41(5), 391-415.
23. Fayolle, A., B. Gailly, et al. (2007).**Towards A New Methodology to Assess Entrepreneurship Teaching Programmes**”, in **Handbook of research in entrepreneurship education**. A. Fayolle. Cheltenham, Edward Elgar.
24. Garavan, Thomas & O’Cinneide Barra (1994). Entrepreneurship Education and Training Programmes:A Review and valuation (Part 1), Journal of European Industrial Training, Vol. 18 No. 8, pp.3-12. .
25. Hannay, L. and Earl, L. (2012), “**School districts triggers for reconstructing professional knowledge**”, JournalofEducationalChange, Vol.13No.3,pp.311-326,availableat:<https://doi.org/10.1007/s10833-012-9185-2>.
26. Hannon, P. D., Scott, J. M., Sursani, S. R., & Millman, C. (2006). **The state of education provision for enterprise and entrepreneurship: A mapping study of England’s HEIs**.International Journal of Entrepreneurship Education, 27(4), 4172...
27. Heriot, Kirk C. and Campbell, Noel D. (2002), “**A new approach to rural entrepreneurship: a case study of two rural electric cooperatives**”. Available on
28. Lee, L. and P.K. Wong (2005). **Entrepreneurship Education: A Compendium of Issues**. NUS Entrepreneurship Centre, National University of Singapore.
29. Linn R.L. and gronlaund N.E (2000) .**Measurement and assessment in teaching**.Upper Saddle River ,NJ: Merril/Prentice-Hall.
30. Metha, R. (2008) **Cooperatives Action and Youths Prescriptive Strategy**, International Workshop on Setting up University/ campus Co- operatives. 5, 6 May.
31. Morris, M.H. and Liguori, E.W (2016). “**Teaching reason and the unreasonable**”, in Morris, M.H. and Ligouri, E.W. (Eds), **Annals of Entrepreneurship Education and Pedagogy**, Edward Elgar Publishing, Northampton, pp. xiv-xxii.
32. Peterman, N. and J. Kennedy (2003). **Enterprise education: influencing student’s perceptions of entrepreneurship**. Entrepreneurship Theory and Practice, 28(2):124-144.
33. Saberian, M. and M. Saboori.(2015). **Factor Analysis of Factors Affecting the Development of Rural Women's Entrepreneurship affiliated to Semnan’s microcredit funds**. Iran’s Social Development Studies, 6(4):107-115(In Persian)..



34. Shafeghat, A., H. Darvish, A.A. Namdar and R. Gholami, (2008). **Pattern of rural entrepreneurship in economic and social development. Paper Collection of National Conference on Sustainable Rural Development with Emphasis on Agriculture.**
35. Siphokazi Koyana and Roger B. Mason (2017), **Rural entrepreneurship and transformation: the role of learnerships. Cape Peninsula University of Technology, Cape Town, South Africa.**
36. Svanborg Rannveig Jónsdóttir and M. Allyson Macdonald (2018), **The feasibility of innovation and entrepreneurial education in middle schools.** School of Education, University of Iceland, Reykjavík, Iceland.
37. Tan, slok san and Ng, C. K. Frank (2006): " **Problem- based Learning approach to Enterepreneurship education**" Journal of education – Thaining, Vol.48, no.6, pp.416- 428.
38. Verheul, I. et al. (2001) **An Eclectic Theory of Entrepreneurship, Tinbergen Institute Discussion Paper Institute for Development Strategies, Indiana University.**
39. von Graevenitz, G., Harhoff, D., Weber, R. (2010). **The effects of entrepreneurship education.** Journal of Economic Behaviour & Organization 76(1): 90-112.
40. Yamakawa, Y., Hunt, J., McKone-Sweet, J. and Greenberg, D. (2016). " **Expanding the focus of entrepreneurship education: a pedagogy for teaching the entrepreneurship method**", Journal of Business and Entrepreneurship, Vol. 27 No. 2, pp. 19-46.
41. Zahra, Shaker (2006). **Championing Corporate Venturing.** In Michael Hitt & Duane Ireland, Entrepreneurship, Victoria: Blackwell Publishing, pp. 28 - 30.
42. Zhao, Y. (2012). **World Class Learners: Educating Creative and Entrepreneurial Students, Corwin Press, Thousand Oaks, CA.**